

## اتفاق عجیب در پرونده قصاص چشم



پیرمرد از او خواسته بود تا خانه را تخلیه کند، اما مادربرگش حاضر به تخلیه خانه نبود. به همین خاطر من مقابل خانه مادربرگ تورج رفتن تا با او صحبت کنم. اما آن روز تورج همان خانه مادربرگش بود که از خانه بیرون آمد و با من درگیر شد. وقتی درگیری میان ما بالا گرفت یک نفر از پشت به سرم سنگ پرتاب کرد. وقتی برگشتم تا ببینم چه کسی بود تورج با سنگ به چشمم چپم زد و باعث نابینا شدن چشمم شد. من برای او تقاضای قصاص چشم دارم. سپس شاکمی که خودش نیز از ناحیه چشمم چپ نابینا شده بود در جایگاه ویژه ایستاد و اتهامش را انکار کرد. وی گفت: آن روز آرش با قلدری مقابل خانه مادربرگم آمد و از مادربرگم خواست تا خانه را تخلیه کند. من به نحوه صحبت کردن او اعتراض کردم که با هم درگیر شدیم. در آن درگیری دوست آرش هم حضور داشت. او می‌خواست با سنگ به من بزند که سنگ جوانی که باعث کوری چشم پسر می شده بود خودش نیز در یک دعوا از یک چشم پسر می شد. به گزارش جهان نیوز، این پسر جوان که چهار سال قبل درگیری با یک پسر چشم چپ وی را کور کرده بود دیروز از خود دفاع کرد. چشم چپ منم نیز سه سال بعد از این ماجرا در درگیری خیابانی نابینا شد.

در درگیری که پاییز سال ۹۴ در منطقه حسن آباد فاشافویه به وقوع پیوست چشم چپ آرش ۲۹ ساله از سوی پسر ۳۰ ساله‌ای به نام تورج آسیب دید. تلاش پزشکان برای درمان آن بی نتیجه ماند و چشم چپ وی نابینا شد. آرش بعد از این ماجرا برای عامل این اتفاق دردناک حکم قصاص چشم را مطرح کرد و تورج دیروز در شعبه چهارم هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد. در ابتدای جلسه شاکمی در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: مادر بزرگ تورج، مستاجر خانه پدر بزرگم بود.

## اعدام زنی که شوهرش را به قتل رساند



مشکوک داشت. یک بار هم که تلفنش طولانی شد، به او اعتراض کردم و با هم درگیر شدیم. فاطمه ادامه داد: به رفتار شوهرم مشکوک بودم و تصور می‌کردم با زنان دیگری هم ارتباط دارد. موضوع را به خانواده‌هاش گفتم و آنها از محمد خواستند دست از این رفتار بردارند، اما او به نصیحت‌های پدر و مادرش هم گوش نکرد. زندگی‌مان رو به سردی می‌رفت که فهمیدم باردار هستم. با این وضع او بساز هم به ارتباط‌های پنهانی‌اش ادامه می‌داد. سرانجام در دادگاه خانواده دادخواست طلاق دادم. روزی که به دفتر خانه رفتن بودیم، او قول داد دیگر خیانت نکند. من هم در خانه آینده فرزندانم، به محمد فرصت دوباره دادم. زن ۲۱ساله درباره روز حادثه گفت: ظهر جمعه محمد از خانه خارج شد و هرچه با او تماس گرفتم، پاسخگو نبود. بعد هم تلفن همراهش را خاموش کرد. ساعت پنج بعد از ظهر به خانه بازگشتم. از او خواستم اجازه دهد تلفن همراهش را بررسی کنم که مخالفت کرد. بعد هم به طرف من حمله‌ور شد و تکم زد. خیلی عصبانی بودم و کنترل بر اعصابم نداشتم. از آشپزخانه کاردی برداشتم و به سمت او رفتم که در حال خارج‌شدن از خانه بود، پرتاب کردم. او همان لحظه برگشت که چاقو به کنار قلبش اصابت کرد. او به سمت در خروجی رفت و پس از چند قدم روی زمین افتاد. با کمک همسایه‌ها شوهرم را به بیمارستان رساندیم، اما دقایقی بعد محمد جان سپرد. من نمی‌خواستم او را بکشم و برای ترساندن همسر

زنی جوان که شوهرش را با پرتاب چاقو به قتل رسانده بود، پس از طی مراحل قانونی و استیذان رئیس قوه قضائیه به دار مجازات آویخته شد. به گزارش اقتصادآنلاین به نقل از شرق، مأموران کلانتری ۱۷۷ نارمک عصر پنجشنبه روز تیر سال ۹۴ در پی تماس با بازپرس کشیک قتل دادرسی جنایی تهران، از مرگ مرد ۲۶ساله‌ای به نام محمد خیر دادند و گفتند او بر اثر اصابت جسم نوک‌تیز به قلبش و خونریزی شدید جان باخته است. در تحقیقات اولیه از همراهم مقتول مشخص شد محمد در جریان درگیری با همسرش مجروح شده است. در ادامه به دستور بازپرس ویژه قتل تهران، جسد به پزشکی قانونی منتقل و همسر او به نام فاطمه بازداشت شد. فاطمه ۲۱ساله روز بعد از قتل برای بازجویی به شعبه سوم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و با قبول اتهامش گفت: پنج سال قبل از طریق دخترخاله‌ام با محمد در شهرستان گنبدکاووس آشنا شدم. چند ماه بعد از آشنایی، او به من ابراز علاقه کرد و گفت می‌خواهد با من ازدواج کند. سرانجام با خانواده‌اش به خواستگاری آمد و با هم عقد کردیم. یک سال اول زندگی‌مان را در استان گلستان گذراندم تا اینکه محمد گفت برای پیدا کردن کار باید به تهران بیایم. من هم برای اینکه زندگی‌مان بهتر شود، موافقت کردم و به محله سبلان آمدم. همسرم به‌عنوان تحصیل‌دار در یک شرکت مشغول کار شد. اوایل زندگی خوبی داشتیم تا اینکه رفتار محمد تغییر کرد و تماس‌های

## زنی که به خاطر دخالت، مادر شوهرش را کشت

در حالی که اشک می ریخت گفت: در کلاس سوم راهنمایی درس می خواندم که به اجبار ازدواج کردم اما چند سال بعد از همسر جدا شدم و در دفتر وکالت بهمن به عنوان منشی شروع به کار کردم. سال ۹۱ بهمن به من پیشنهاد ازدواج داد که پذیرفتم اما بعد از نزدیک به یک سال وقتی فهمیدم بهمن بچه دار نمی شود از او جدا شدم. اوایل سال ۹۲ بود که از طریق یک سایت همسریابی با همسر آشنا شدم و با وجود مخالفت های مادرشوهرم با هم ازدواج کردیم ولی همسرم اراده ای از خودش نداشت و به همین خاطر مادرشوهرم مدام در زندگی مان دخالت می کرد. از رفتارهای مادرشوهرم خسته شده بودم به همین دلیل از همسرم خواستم تا به خانه دیگری برویم .

وی ادامه داد: صبح بیست و هفتم بهمن مادرشوهرم از طبقه بالا به خانه مان آمد . او که عصبانی و دلخور بود گفت: اجازه نمی دهد به خانه جدید برویم. من سعی کردم ماجرا را برای او توضیح دهم اما قانع نشد او به سمت من حمله کرد و موهایم را کشید و با مشت به سرم کوبید. من هم با میله قابلیانی که روی میبل بود چند ضربه به سر مادرشوهرم زدم که بیهوش شد. تسویه بودم و نمی دانستم با جنازه چه کنم. به همین دلیل با بهمن تماس گرفتم . سپس بهمن به دفاع پرداخت و گفت: من وقتی به خانه فرشته رفتم اصرار کردم تا با پلیس تماس بگیرد اما او قبول نکرد . به همین خاطر تحت تاثیر التماس های او قرار گرفتم و یک وانست و دو کارگر اجاره کردم. به کارگر ها گفتم قصد دارم سم کشاورزی را به زمین های دماوند منتقل کنم. آن ها در انتقال جنازه به من کمک کردند و بعد از آن ماجرا چند ماه فراری بودم.

من ، همسرم و مادرشوهرم در یک آپارتمان زندگی می کردیم و ۷ ماه از زندگی مشترک‌م می گذشت و مادرشوهرم که از ابتدا مخالف ازدواج ما بود مدام مرا تحقیر می کرد و یکبار که با هم تنها خانه بودیم او را کشتیم. به گزارش سلام نو، تازه عروسی که پس از قتل مادرشوهرش از پای چوبه دار به زندگی برگشته دیروز از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد. رسیدگی به این پرونده از بیست و هفتم بهمن ۹۲ به دنبال ناپدید شدن طیبه ۷۰ساله در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می داد این زن که با کسی خصومت شخصی نداشت، پس از شرکت در کلاس های مذهبی به طرز مرموزی ناپدید شده است. تلاش برای اشنای راز ناپدید شدن این زن ادامه داشت تا این که یک روز بعد در ظهر بیست و هشتم بهمن ۹۲ جنازه پتوپنج این زن در دشت مزار دماوند پیدا شد.

### اعتراف عروس

بررسی ها نشان می داد این زن با ضربه های جسمی سخت به سرش از پای در آمده است. تحقیقات برای روشن شدن راز جنایت آغاز شده بود که پلیس در راه پله های خانه طیبه با آثار خون روبه رو شد و دریافت به احتمال زیاد وی قربانی جنایت یک آشنا شده است. تحقیق از اعضای خانواده قربانی آغاز شده بود تا این که یکم اسفند ۹۲ تازه عروس ۳۲ساله خانواده به نام فرشته لب به اعتراف گشود و به قتل مادرشوهرش اعتراف کرد. وی گفت: هفت ماه از ازدواج من و همسرم می گذرد اما چون مادرشوهرم از همان ابتدای ازدواج مخالف این وصلت بود مدام در زندگی مان دخالت می کرد.

من ، همسرم و مادرشوهرم در یک آپارتمان زندگی می کردیم و او مدام مرا تحقیر می کرد تا این که آخرین بار در غیاب شوهرم با او درگیر شدم و او را کشتم. من برای حمل جنازه از مرد جوانی به نام بهمن که وکیل دادگستری است کمک گرفتم. به دنبال اظهارات تازه عروس ردیابی متهم فراری آغاز شد و هفت ماه بعد در آبان سال ۹۳ بهمن ۴۲ساله بازداشت شد و به کمک کردن به فرشته در حمل جنازه اعتراف کرد. در بررسی های بعدی روشن شد بهمن شوهر قبلی فرشته بوده است. در دادگاه دو متهم در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در آن جلسه دو پسر قربانی برای فرشته و مهدشش اشد مجازات خواستند. سپس فرشته در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: قبول دارم مادرشوهرم را کشتم اما من قصد قتل نداشتم

## در سرهای یک داماد سر خانه



پدر نسرين زیر پرو بالم را گرفت و من هم بدون توجه به نظر و خواسته والدینم که به شدت مخالف تصمیم بودند ازدواج کردم. در واقع داماد سرخانه شدم و با خودم فکر می‌کردم همین که به دختر مورد علاقه‌ام رسیده‌ام برایم کافی است.

به گزارش اقتصادآنلاین به نقل از رکتا، آشنا شده بودیم و خانواده ام در همان جلسه خواستگاری نظر مخالف بودند را اعلام کردند. آنها می گفتند این دختر اهل زندگی نیست و به درد تو نمی خورد. اما چه کنم که عاشق شده بودم و اسیر احساس.

مدتی از ازدواجم گذشت. پدرم مادرم با این که از دستم خیلی شاکمی و دلگیر بودند به خاطر آبروی شان کوتاه آمدند. آنها با بی میلی یک جشن کوچک گرفتند و عروس خود را به فامیل معرفی کردند.

من می دانستم نسرين سیگار می کشد اما فکر نمی کردم او به مواد مخدر هم معتاد باشد. با اطلاع از این موضوع او را قسم دادم که دست از مواد مخدر بکشد. گفتم اگر خانواده با همفهمند عروس ناخواسته خانواده معتاد است محال است بگذارند زندگی کنیم.

نسرين ابراز پشیمانی می کرد و من هم که جوگیر شده بودم تصمیم گرفتم فرشته نجاتش باشم. اما نمی دانم چطور شد که خودم هم در دام اعتیاد افتادم و تا چشم باز کردم دیدم او مرا معتاد کرده است.

خانواده ام خیلی زود فهمیدند چه بلایی سرم آمده و دست به کار شدند کمک کنند. خودم هم از این کرده خود پشیمان شده بودم. با کمک درمانگر اعتیاد توانستم اعتیاد را ترک کنم. همسرم را هم طلاق دادم و شکست عاطفی سنگینی متحمل شدم.

من با تمام سختی های این شکست کنار آمدم و با پیشنهاد خانواده ام می خواهم دوباره ازدواج کنم. اما دیگر زرننگ شده ام و بی گذار به آب نمی زنم . برای همین هم به

چاقو را به‌سمتش پرتاب کردم که با بدشاشنی به قلبش خورد. در پایان تحقیقات سجاد منافی آذر، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی، قرار مجرمیت این متهم را صادر کرد و مدتی بعد این زن در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت و گفت: باور کنيد قصد نداشتم او را بکشم و هنوز هم دوستش دارم. بعد از مرگ شوهرم، نگران دختر یک‌ساله‌ام هستم. امیدوارم خانواده همسرم درک کنند قتل اتفاقی بود و مرا ببخشند تا بتوانم مادر خوبی برای دخترم باشم.

با وجود این، مادر و پدر مقتول درخواست خود مبنی بر قصاص عروس‌شان را تکرار کردند و در نهایت دادگاه حکم قصاص را صادر و شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور نیز را حکم را تأیید کرد. در پی آن مراحل قانونی برای اجرای حکم یکی پس از دیگری گذشته و در مجازات آویخته شد.

## شوخی مرگبار چند دوست با یک گیاه دارویی به زندان ختم شد

رفیق چندین ساله ارائه می‌شود. عوارض مصرف تاتوره پیش‌تر از محمود در احوالات کسی رویت می‌شود که تنها قدری از گیاه را خورده است. اقبالی که این فرد داشته این است که با حالت تهوعی که به او دست می‌دهد دانه‌های قهوه‌ای رنگی را که خورده بود با دست بردن در گلولی خود از طریق استنشاق همه دانه‌های قهوه‌ای رنگ حاوی داتورین را از معده خارج می‌کنند. محمود اما از شدت مسمومیت بی‌از آنکه بی‌قراری کند به شدت بی‌حال می‌شود و طبق اظهار دوستانش تنها در ناحیه شکم دردی را متحمل بوده است. دردی که به دلیل شدت گرفتن دردی را مجبور می‌کند تا از ادامه مسیر منصرف شده او را بر سه نزدیک‌ترین مرکز درمانی منتقل کنند. اتفاقی که هرچند به موقع انجام می‌شود اما به دلیل میزان گیاه مصرف شده کاری از پیش نبرده و محمود از دنیا می‌رود. خانواده متوفی در ادامه به طرح شکایت از مسبب این حادثه اقدام نموده و با طرح شکایت در دادگاه ذیصلاح طی یک رسیدگی زمان بر در نهایت محمد را با درصد تقصیر ۱۰۰ درصدی به پرداخت دیه‌ای معادل ۳۶۰ میلیون تومان محکوم می‌کنند. از نکات جالب این پرونده به غیر از عوامل موثر در فوت تعیین تقصیر صد در صدی محمد است که به دلیل وقوع مرگ در ماه حرام با تغلیظ دیه نیز مواجه می‌شود. موضوعی که ادامه با اعتراض نسبت به حکم بدوی در مرحله تجدیدنظر هم تأیید می‌شود تا دوستی که نه با سوء نیت مجرمانه بلکه برای انبساط خاطر دوستان و ایضا کمک در رفع خستگی جسمانی گیاهی را به دوستی قدیمی پیشنهاد داد به قتل غیرعمد او محکوم شود. اگرچه با همت گروه صلح و سازش ستاد دیه اولیاء دم تا حدود صد میلیون تومان از اصل بدهی را گذشت کرده‌اند و شخص محکوم‌علیه تا میزانی از تسهیلات این نهاد مردمی بهره‌مند شده اما در شرایط فعلی این زندانی بابت الباقی ۸۰ میلیون تومانی خود از تیر ماه سال ۱۳۹۶ همچنان در بند حضور دارد.

### رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر بوشهر:

## عملیات مشترک پلیس بوشهر و فارس

### ۵۹ کیلوگرم تریاک کشف شد

سرهنگ ششانی اضافه کرد: با همکاری پلیس مبارزه با مواد مخدر استان فارس در یک عملیات دقیق و هماهنگ، خودروی حامل مواد مخدر در محور مواصلاتی شهرستان لامرد شناسایی و توقیف شد. وی با تشکر از همکاری پلیس مبارزه با مواد مخدر استان فارس گفت: در بازرسی از خودروی توقیفی ۵۹ کیلو و ۴۰۰ گرم مواد مخدر از نوع تریاک کشف و چهار متهم دستگیر و دو خودرو نیز توقیف شد.



رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان بوشهر گفت: در عملیات مشترک پلیس بوشهر و فارس ۵۹ کیلوگرم تریاک کشف شد.

به گزارش خبرنگار مهر، سرهنگ عبدالرضا ششانی ظهر سه‌شنبه در جمع خبرنگاران اظهار داشت: در راستای مقابله با مبارزه جدی با مواد مخدر تلاش گسترده‌ای صورت گرفته است و محیط برای سوداگران ناامن شده است. وی افزود: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر استان موفق شدند با انجام اقدامات اطلاعاتی و تلاش های شبانه روزی، یک باند تهیه و توزیع مواد مخدر که به صورت حرفه ای و عمده در امر قاچاق و توزیع مواد مخدر در استان بوشهر و فارس فعالیت داشتند را شناسایی کنند.

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان بوشهر گفت: با گسترش چتر اطلاعاتی مشخص شد سرکرده باند قصد دارد با همکاری چند نفر از عوامل خود، محموله مواد مخدر را به وسیله یک دستگاه سواری ساینا در یکی از شهرستان های استان فارس جابجا کند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.